

ملارجبعلی تبریزی در آینه آثار قاضی سعید قمی

یکی از راه‌های شناخت آراء اندیشمندان، مراجعه به آثار شاگردان آن‌هاست. برخی از شاگردان گاه از استاد خود مطلبی را که شنیده‌اند در لابه‌لای آثار خود نقل کرده‌اند که می‌توانند منابع مهمی در فهم آراء و دیدگاه‌های یک اندیشمند باشد.

ملارجبعلی تبریزی (م ۱۰۸۰هـ) یکی از حکمای عصر صفوی است که مدرسه فلسفه‌ای داشته و شاگردان زیادی را پرورانده است. یکی از این شاگردان قاضی سعید قمی است. قاضی سعید در برخی از آثار خود (در اینجا به شرح توحید الصدوق، شرح الأربعین و الأربعین اشاره می‌شود) از ملارجبعلی تبریزی مطالبی را نقل کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که این یادداشت به راهنمایی استاد دکتر محمدهادی توکلی نوشته شده است.

۴۶۵

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

نقل قول اول

قاضی سعید قمی ذیل روایت: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَأَصْلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ تَوْحِيدُهُ وَنِظَامُ تَوْحِيدِهِ نَفْيُ التَّحْدِيدِ...» از قول استادش می‌نویسد: «وهو الخطبة الثانية الشريفة التي عجز عن الإتيان بها غيرهم (عليهم السلام) ونعما قال أستاذنا الحكيم الإلهي قدس سره العلي: من أنه يجب على كل مؤمن شيعي أن يقرأها مكان التعقيب في كل صبيحة يومه لما فيها من ذكر المعارف والحقائق ما لا يصل إليه الحكماء الفاضلون والعرفاء الكاملون» (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۳).

نقل قول دوم

قاضی سعید ذیل حدیث ۲۶ از باب فی التوحید و نفی التشبیه ذیل عبارت: لَا بِأَدَاةٍ لَا يَكُونُ الْعِلْمُ إِلَّا بِهَا وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعْلُومِهِ عِلْمٌ غَيْرُهُ» نظر استادش را این‌گونه بیان

می‌کند: «(لا بأداة لا يكون العلم إلا بها». قوله عليه السلام: «وليس بينه وبين معلومه علم غيره» كالتوضيح للجملة السابقة، لأن العلم هو الانكشاف وما به انكشاف الشيء: إمّا نفس ذات المعلوم كما للمبديء العالية بل لكافة العلماء - على ما يراه أستاذنا طاب ثراه - وإمّا مثاله المطابق له في ماهيته - على ما يراه أكثر المتأخرين -...» (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۸) آنچه قاضی سعید بیان کرده است، همان است که در رساله الأصيل الأصيل درباره علم آمده است (تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۸۶).

نقل قول سوم

قاضی سعید در شرح توحید الصدوق، الباب الثالث في القرآن ما هو؟ الحديث السابع ذیل عنوان «تذنیب» از قول استادش می‌نویسد: «هذا الذي قلنا إثمًا هو إذا أخذنا الإسلام على الظاهر، وأمّا الإسلام الحقيقي فإنّما يطلق تارة على الذي هو فوق الإيمان الكامل الذي هو الإيمان بالله والتصديق بكتاب الله وأن لا يعصى الله، وهو الذي كان لشيخ الأنبياء إبراهيم (عليه السلام) حيث مدحه الله بذلك الإسلام في مواضع من القرآن، منها قوله: ﴿أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ومنه ما ورد في أخبارنا من أن: «المسلم من سلم المسلمون من يده ولسانه وقد سمعت من أستاذي الحكيم الإلهي مولانا رجبعلی - قدس سرّه النوري - أنّه قال: «إذا كان حدّ الإسلام هو ما حدّ في هذا الخبر لم يكن في هذا «۵» الزمان من الإسلام أثر...»» (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۸۳).

۴۶۶

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

نقل قوم چهارم

قاضی سعید در شرح الأربعین، الحديث الثاني عشر، الشارح الثاني، ذیل عنوان «مسألة» در بحث از: «في إبطال العلم الصوري سواء كان بحصول صورة فيه سبحانه، أو في شيء من مبدعاته، أو في صقع من التَّبويية، أو بقيامها بذاتها، أو بطريق ثبوت المعدومات أو الأحوال إلى غير ذلك من المذاهب الباطلة...» قاضی سعید به مقتضای بحث به اشکالات فخررازی در شرح الإشارات اشاره می‌کند و بعد از آن آرائی را نقل می‌کند که یکی از این آراء، رأی استادش ملا رجبعلی تبریزی است. قاضی

می نویسد: «ومنها: ما أفاد أستاذنا أعظم الحكماء المتألهين وأوحد العرفاء الموحدين - أعلى الله درجاته العقلانية في عليّين - وهو برهان عامّ على إبطال الحصول سواء كان في علوم النفس أو فيما فوقها...» (قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۸).

نقل قول پنجم

در این نقل قول قاضی سعید بدون ارجاع به استادش مطلبی درباره وجود ذهنی نقل کرده که تقریباً عین همان مطلبی است که در رساله الأصل الأصيل است. البته این تفاوت وجود دارد قاضی سعید این مسئله را به کتاب های دیگر خود ارجاع می دهد (قمی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۵ - ۲۰۶؛ تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۶۰ - ۶۲).

منابع

- تبریزی، ملارجبعلی، (۱۳۸۶)، الأصل الأصيل، تصحیح عزیز جوانپور هروی و حسن اکبری بیرق، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- قمی، قاضی سعید، (۱۳۷۹)، شرح الأربعین، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: میراث مکتوب.
- قمی، قاضی سعید، (۱۳۸۱)، الأربعینیات لکشف أنوار القدسیات، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: میراث مکتوب.
- قمی، قاضی سعید، (۱۴۱۵ق)، شرح توحید الصدوق، تصحیح و تعلیق نجفقلی حبیبی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.